

Investigating the impact of Syrian regime change on corridor competitions and reducing Iran's geopolitical influence in the region

Tirdad Taghipoor Javi *

PhD candidate of International Relations, Allameh Tabatabai University. T_taghipoor@atu.ac.ir

Alireza Shahmohammadi

Master's Degree in Regional Studies, Shahid Beheshti University.
alireza.shahmohammadi77@gmail.com

Abstract

Objective: This article aims to answer the following question by examining the status and nature of the newly established corridors in the West Asian region: (What impact will new regional developments after the collapse of the former Syrian regime and the development of emerging corridors have on Iran's geopolitical position?)

Method: An analytical method was used to conduct this research, and data was collected through library and documentary studies and content analysis of strategic reports.

Findings: One of the components of Iran's power has always been its sensitive geopolitical position. This has exposed Iran to constant competition from international actors seeking to expand their influence. On the one hand, the strategic sensitivity of this situation and Iran's rejection of colonialism, and on the other hand, the formation of international and regional coalitions and alliances, have gradually strengthened the idea that its geopolitical importance can be reduced by creating alternative routes.

Results: According to the findings, the new conditions prevailing in the region, including the change in the political system in Syria and the creation of three corridors, the IMAC, the Development Road, and the corridor in the strategic phase of Daoud, have excluded Iran from the key transit routes of West Asia and paved the way for the strengthening of competitors. This situation will confront Iran with a geopolitical dilemma, and if appropriate strategies are not developed, the country's position in the new regional order will be challenged. In addition, the aforementioned conditions will reduce Iran's influence, weaken its economic and security position in the region, and increase threats against Tehran.

Keyword: Syria, Iran, regime change, corridor, geopolitical isolation

Article type: Research

* **Received on:** 18 May 2025 **Accepted on:** 23 August 2025

Cite this article: Taghipoor Javi, Tirdad & Shahmohammadi, Alireza (2025) Investigating the impact of Syrian regime change on corridor competitions and reducing Iran's geopolitical influence in the region, Summer 2025, Vol.14, NO.2, 139-163.

DOI: 10.30479/psiw.2025.22090.3422

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Tirdad Taghipoor Javi (T_taghipoor@atu.ac.ir)

بررسی تأثیر تغییر رژیم سوریه بر رقابت‌های کریدوری و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه

تیرداد تقی‌پور جاوی *

دانش آموخته‌ی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، T_taghipoor@atu.ac.ir.

علیرضا شاه‌محمدی

alireza.shahmohammadi77@gmail.com کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: این مقاله بر آن است، تا با بررسی وضعیت و چیرستی کریدورهای تازه تأسیس در منطقه غرب آسیا به سؤال پیش رو پاسخ دهد: (تحولات جدید منطقه‌ای پس از فروپاشی رژیم سابق سوریه و توسعه کریدورهای نوظهور چه تأثیری بر جایگاه ژئوپلیتیکی ایران خواهد داشت؟)

روش: برای انجام این پژوهش از روش تحلیلی استفاده شده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و تحلیل محتوای گزارش‌های راهبردی گردآوری شده است.

یافته‌ها: همواره یکی از مؤلفه‌های قدرت ایران، موقعیت ژئوپلیتیک حساس آن بوده است. این موضوع ایران را در معرض رقابت مستمر بازیگران بین‌المللی قرار داده که در پی گسترش نفوذ خود بودند. از یک سو حساسیت راهبردی این موقعیت و عدم پذیرش استعمار از سوی ایران و از سوی دیگر شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اتحادهای بین‌المللی و منطقه‌ای به تدریج این انگاره را تقویت کرده است که با ایجاد مسیرهای جایگزین می‌توان اهمیت ژئوپلیتیکی آن را کاهش داد.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌ها شرایط جدید حاکم در منطقه اعم از تغییر نظام سیاسی در سوریه و ایجاد سه کریدور آیمک، جاده توسعه و کریدور در مرحله راهبردی داود، ایران را از مسیرهای کلیدی ترانزیت غرب آسیا کنار گذاشته و زمینه را برای تقویت رقبا فراهم کرده است. این وضعیت ایران را با یک تنگنای ژئوپلیتیکی مواجه خواهد کرد و در صورت عدم تدوین راهبردهای مناسب، جایگاه این کشور در نظم جدید منطقه‌ای به چالش کشیده می‌شود. افزون بر این به تأثیر از شرایط مذکور ضمن کاهش نفوذ ایران، جایگاه اقتصادی و امنیتی آن را در منطقه تضعیف شده و موجب افزایش تهدیدات علیه تهران خواهد شد.

واژگان کلیدی: سوریه، ایران، تغییر رژیم، کریدور، انزوای ژئوپلیتیک

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

استناد: تقی‌پور جاوی، تیرداد؛ شاه‌محمدی، علیرضا (۱۴۰۴)، بررسی تأثیر تغییر رژیم سوریه بر رقابت‌های کریدوری و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، تابستان ۱۴۰۴، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۵۴، ۱۳۹-۱۶۳.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین مناطق نظام بین‌الملل از دیرباز منطقه‌ی غرب آسیا است. ژئوپلیتیک یویا در کنار دیگر عوامل، یکی از اصلی‌ترین دلایل اهمیت این ناحیه است. ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی مانند وسعت سرزمین، نوع ارتباط آن با دریا و خشکی و... بر سیاست است. به عبارتی فضای جغرافیایی کشورها و عواید حاصل از این موقعیت، تأثیر مستقیمی در وسعت کنشگری بازیگران دارد (بشیری^۱، ۲۰۰۳، ۵۹-۵۷). ژئوپلیتیک در غرب آسیا همواره در گذر زمان، مجموعه‌ای از مزایا و نعمات را در اختیار حاکمان این اراضی قرار داده است. کشورهای این منطقه با بهره‌گیری از شرایط مطلوب جغرافیایی، می‌توانند تفوق در عرصه‌ی سیاست خارجی را برای خود مهیا سازند (دهقانی فیروزآبادی^۲، ۲۰۱۷، ۹۵-۹۴). ایران هم از گذشته با قرارگیری در قلب جاده‌ی ابریشم، یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین بازیگران در عرصه‌ی ژئوپلیتیک این منطقه بوده است؛ اما با گذر زمان و تلاش بازیگران مختلف برای ارتقای جایگاه خود، کمابیش از سیادت ایران کاسته شده است. در زمان حاضر رقابت بازیگران با تهران به حداکثر میزان خود رسیده است. دولت‌های مختلف در تلاش بوده تا با بهره‌گیری از طرح‌ها و ظرفیت‌های مختلف جایگاه ژئوپلیتیکی ج.ا.ا را به شیوه‌ای بی‌سابقه کاهش دهند.

تقابل امروزه تهران با رقبا بیشتر به زیرمجموعه‌های قفقاز جنوبی، آناتولی، شامات و حوزه خلیج فارس منحصر می‌شود. در طیفی گسترده ترکیه، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و حتی کشورهای چو قطر، آذربایجان، امارات، عراق، سوریه و.. به رقابت با ایران می‌پردازند. دول نام‌برده مترصد حذف ج.ا.ا از مرکزیت ژئوپلیتیک منطقه و انزوای حداکثری آن هستند. برای این مهم طرح احداث و بهره‌وری از کریدورهایی نوین، با هدف حذف ایران از مسیرهای ارتباطی پیش روی آن‌ها است (مرکز مطالعات بین‌الملل و سیاست^۳، ۲۰۲۳). کریدورهای سه‌گانه آی‌مک^۴، جاده توسعه^۵ و داوود^۶ از مصادیق تلاش‌های رقابتی منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ا برای کاهش کنشگری این کشور در عرصه‌ی ژئوپلیتیک منطقه هستند.

1- Bashiriya

2- Dehghani Firouzabadi

3- Center for Political and International Studies

4- IMEC

5- Develop Road

6- David's Corridor

این متن در ابتدا در تلاش است تا به بررسی مختصات و چیستی این سه پروژه بپردازد. در همین راستا موانع موجود در پیش روی این سه طرح، در دو گروه عام و خاص بررسی خواهد شد. در این بخش نظام سیاسی سابق در سوریه به مثابه مانع خاص در نظر گرفته شده که تغییر حاکمیت در این کشور عاملی تأثیرگذار در روند کزیدورها و تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه است. حال هدف این نوشتار کسب پرسشی مناسب برای این سؤال است: فروپاشی رژیم بشار اسد در سوریه و توسعه کزیدورهای نوظهور چه تأثیری بر جایگاه ژئوپلیتیکی ایران خواهد داشت؟ فرض این پژوهش بر این است که با توجه به سقوط متحد ج.ا.ا در سوریه و طرح‌های ژئوپلیتیکی پیش رو، شرایط نوینی در مقابل کشور ایران مشاهده می‌شود. مختصات جدید منطقه شرایط نامطلوب و ناهمواری را برای زیست سیاسی و اقتصادی ایران رقم خواهد زد. این موقعیت برای نام‌برده به مثابه یک تنگنای ژئوپلیتیکی است. وضعیت موجود و تنگنای ژئوپلیتیک، تهران را به یک سردرگمی دچار کرده است. این بهت و بی‌ترتیبی موجب شده تا شاهد اقدامات مناسب از این بازیگر در موقعیت فعلی نباشیم. بنابراین لازم است تا با فهم صحیح از وضعیت نسبت به اتخاذ تصمیمات و کنشگری هوشمندانه تعجیل کند.

چارچوب مفهومی

تحلیل ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با کزیدورهای جدید منطقه‌ای مستلزم ترکیبی از مؤلفه‌های نظریات استنادپذیر در این زمینه است که بتواند ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و جغرافیایی این مسئله را پوشش دهد. در این راستا ترکیبی از مهم‌ترین مفاهیم نظریات شرایط استثنایی کارل اشمیت^۱ (اشمیت^۲، ۱۹۹۲) نظریه هارتلند^۳ مکیندر، ریملند^۴ اسپایکمن و قدرت دریایی^۵ آلفرد ماهان به عنوان بنیان تحلیلی این پژوهش انتخاب شده است. نظریه شرایط استثنایی تصریح می‌کند که در مواقع بحران ساختارهای سیاسی و اقتصادی یک کشور تحت فشار عوامل بیرونی تغییر کرده و برای بقا نیازمند اتخاذ تصمیمات فوق‌العاده است. در این پژوهش ایجاد و توسعه کزیدورهای آی‌مک، جاده توسعه و داوود به منزله عاملی بحرانی در نظر گرفته می‌شود که ایران را با یک تنگنای ژئوپلیتیکی مواجه کرده است.

1- Carl Schmitt

2- Schmitt

3- Mackinder's Heartland

4- Nicholas Spykman's Rimland

5- Alfred Thayer Mahan's concept of sea power

در کنار نظریه اشمیت از مبانی نظریه هارتلند مکیندر (مکیندر^۱، ۱۹۰۴) و ریملند اسپایکمن (اسپایکمن^۲، ۱۹۴۲) برای تبیین دقیق پژوهش استفاده شده است. بر اساس نظریه هارتلند کنترل مناطق مرکزی اوراسیا عامل تعیین‌کننده در تسلط بر معادلات ژئوپلیتیکی جهانی است. ایران که در حاشیه هارتلند و در مجاورت مناطق راهبردی همچون خلیج فارس و آسیای مرکزی قرار دارد به‌طور سنتی دارای نقش محوری در مسیرهای تجاری و ژئوپلیتیکی بوده است. با این حال توسعه کریدورهای جدید منطقه‌ای موجب کاهش نقش ایران در معادلات قدرت و تغییر توازن ژئوپلیتیکی منطقه شده است. در این راستا نظریه ریملند اسپایکمن که اهمیت مناطق حاشیه‌ای (ریملند) در تعیین قدرت جهانی را مطرح می‌کند نشانگر آن است که با تغییر مسیرهای ترانزیتی و عبور آن‌ها از کشورهایی مانند ترکیه، رژیم اشغالگر قدس، عربستان و امارات جایگاه ایران به‌مثابه یک بازیگر کلیدی در ریملند منطقه‌ای تضعیف شده است.

افزون بر این نظریه قدرت دریایی آلفرد ماهان (ماهان^۳، ۱۸۹۰) تأکید دارد که دسترسی به آب‌های آزاد و کنترل مسیرهای تجاری دریایی عاملی کلیدی در افزایش قدرت ژئوپلیتیکی کشورها است. در این پژوهش توسعه کریدورهایی مانند آی‌مک که اتصال مستقیم هند به اروپا را از طریق مسیرهای دریایی و بدون عبور از ایران فراهم می‌کند در چارچوب تحلیل ماهان قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که رقبای منطقه‌ای ایران با تسلط بر مسیرهای ترانزیتی دریایی نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران را محدود کرده و آن را از نقش سنتی خود در معادلات منطقه‌ای دور ساخته‌اند. بنابراین پژوهش حاضر با تکیه بر این چارچوب مفهومی نشان می‌دهد که تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از توسعه کریدورهای جدید منطقه‌ای، ایران را در موقعیتی بحرانی قرار داده است که در آن بازیگران رقیب به دنبال حذف این کشور از معادلات کلیدی ترانزیتی و اقتصادی هستند. در این شرایط نظریه شرایط استثنایی اشمیت به تحلیل واکنش‌های احتمالی ایران در برابر این تنگنای ژئوپلیتیکی کمک می‌کند درحالی‌که نظریه‌های هارتلند، ریملند و قدرت دریایی ابعاد تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه را روشن می‌سازند.

۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی پیرامون اهمیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه به‌طورکلی و جایگاه راهبردی برخی از کشورهای این منطقه به‌طور خاص انجام شده است. افزون بر این مطالعات گسترده‌ای هم به بررسی ضرورت توجه به کریدورها و مسیرهای ترانزیتی

1- Mackinder

2- Spikeman

3- Mahan

راهبردی پرداخته‌اند که نقشی تعیین‌کننده در افزایش یا کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی مناطق مختلف ایفا می‌کنند. برخی از منابع که پیش‌تر در این زمینه مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند در ادامه ارائه شده‌اند.

کتاب (بحران سوریه: تأثیرات بر رولیت منطقه‌ای و بین‌المللی) ^۱ ، توسط دانیله کلیلات خطیب ^۲ تألیف و در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است. این اثر به تحلیل تأثیر بحران سوریه بر رولیت منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد. نویسنده معتقد است بحران سوریه با تبدیل شدن به یک جنگ نیابتی به میدان نبردی برای تسلط منطقه‌ای تبدیل شده و فرصتی برای ظهور قدرت‌های جدید در صحنه جهانی فراهم کرده است.	مقاله، راهبرد ایران در سوریه: تکامل بازدارندگی ^۳ ، توسط حسن احمدیان و پیام محسنی نوشته شده و در سال ۲۰۱۹ در مجله امور بین‌الملل ^۴ منتشر شده است. این مقاله به تحلیل نقش منطق بازدارندگی در شکل‌دهی به روابط ایران و سوریه از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تا جنگ سوریه می‌پردازد.	کتاب سقوط سوریه: پیامدهای آن برای فتوای ایران علیه تسلیحات هسته‌ای و راهبرد منطقه‌ای ^۵ توسط داگلاس سی. یوان ^۶ نوشته شده و در ۹ دسامبر ۲۰۲۴ منتشر شده است. این مقاله به تحلیل نقش ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان مرکز کریدورهای بین‌المللی می‌پردازد و تأکید می‌کند که ایران با ساخت کریدورهای بین‌المللی و احیای جاده ابریشم به قلب کریدورهای حیاتی جهان تبدیل شده است.	مقاله ژئوپلیتیک جدید ایران: قلب کریدورهای جهانی ^۷ توسط حسن نورعلی و سید عباس احمدی نوشته و در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است. این مقاله به تحلیل نقش ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان مرکز کریدورهای بین‌المللی می‌پردازد و تأکید می‌کند که ایران با ساخت کریدورهای بین‌المللی و احیای جاده ابریشم به قلب کریدورهای حیاتی جهان تبدیل شده است.	مقاله "تحلیل نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی" توسط حسن نورعلی و سید عباس احمدی نوشته شده و در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است. به بررسی اهمیت موقعیت راهبردی ایران در پیوند میان کریدورهای مختلف بین‌المللی می‌پردازد. نویسندگان تحلیل می‌کنند که ایران با قرارگیری در مسیرهای ارتباطی کلیدی نقشی محوری در تجارت و انتقال انرژی ایفا می‌کند و این موقعیت امکان نقش‌آفرینی در تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهانی برای ایران را فراهم می‌کند.
--	--	--	---	--

1- The Syrian crisis: effects on the regional and international relations

2- Dania Kolehlat Khatib

3- Iran's Syria strategy: the evolution of deterrence

4- International Affairs

5- The Collapse of Syria: Implications for Iran's Fatwa Against Nuclear Weapons and Regional Strategy

6- Douglas C. Youvan

7- Iran's new geopolitics: heartland of the world's corridors

مقاله تأثیر آی‌مک بر ژئوپلیتیک ترانزیتی ایران ^۱ توسط محمد مبینی و بهمن بهاروند در سال ۲۰۲۴ منتشر شده است. این مقاله به بررسی تأثیر کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا بر ژئوپلیتیک ترانزیتی ایران می‌پردازد. نویسندگان تحلیل می‌کنند که این کریدور جدید چگونه می‌تواند بر موقعیت راهبردی ایران در مسیرهای ترانزیتی تأثیر بگذارد و چالش‌ها و فرصت‌های ایران در مواجهه با این کریدور را آنالیز می‌کنند.	مقاله سیاست‌های کریدوری آی‌مک در برابر جاده ابریشم ^۲ توسط عایشه صدیقه ^۳ در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است. به بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (آی‌مک) ^۴ و ابتکار کمربند و جاده چین ^۵ می‌پردازد. نویسنده تحلیل می‌کند که چگونه این دو پروژه کریدوری با اهداف و تأثیرات متفاوت بر سیاست‌های جهانی به‌ویژه در مناطق آسیایی و خاورمیانه رقابت می‌کنند و نقش‌های مختلف آن‌ها در تغییر موازنه قدرت جهانی چیست.	مقاله ارزیابی سیستماتیک ریسک‌های عملیاتی کریدورهای حمل‌ونقل بین‌المللی: مطالعه موردی کریدور حمل‌ونقل چین-پاکستان-ایران-ترکیه ^۶ توسط ژیاوشیانگ ژو ^۷ و چنگفنگ هوانگ ^۸ در سال ۲۰۲۱ منتشر شد. نویسندگان با استفاده از کریدور حمل‌ونقل چین-پاکستان-ایران-ترکیه، ریسک‌ها و چالش‌های عملیاتی مرتبط با این کریدورهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهند و راهکارهایی برای بهبود عملکرد این مسیرها ارائه می‌دهند.	مقاله جنگ حماس- رژیم اشغالگر قدس و تحول "ژئوپلیتیک مقاومت" ایران ^۹ توسط دیوید ساراسوات ^{۱۰} منتشر شد. این مقاله به بررسی تأثیر جنگ حماس- رژیم اشغالگر قدس بر تحولات ژئوپلیتیکی ایران می‌پردازد. نویسنده تحلیل می‌کند که چگونه این جنگ موجب تحول در سیاست‌های ایران در راستای ژئوپلیتیک مقاومت شده و ایران چگونه از این تحولات برای تقویت موقعیت خود در خاورمیانه استفاده کرده است.	مقاله سقوط بشار اسد: پیامدها برای سوریه و خاورمیانه بزرگ‌تر ^{۱۱} توسط زاهد بشیر سلیم، عمران خان و زینب خورشید در سال ۲۰۲۴ منتشر شد. این مقاله به تحلیل تأثیرات سقوط رژیم بشار اسد بر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوریه و همچنین پیامدهای آن برای ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه می‌پردازد. نویسندگان بررسی می‌کنند که چگونه این تغییرات می‌تواند بر روابط بین‌الملل، ائتلاف‌های منطقه‌ای و آینده سیاسی سوریه تأثیر بگذارند.
--	---	--	--	--

1- The Impact of IMEC on Transit Geopolitics of Iran

2- Corridor Politics: IMEC vs. BRI

3- Siddiq, Arhama

4- IMEC

5- BRI

6- Systems Evaluation for Operational Risks of International Transport Corridors: A Case Study of China-Pakistan-Iran-Turkey International Transport Corridor

7- Xiaoxiang

8- Chengfeng

9- Hamas-Israel War and the Evolution of Iran's 'Resistance Geopolitics'

10- Saraswat Deepika

11- The Fall of Bashar al-Assad: Implications for Syria and the Broader Middle East

با وجود منابع و مطالب بسیار در حوزه اهمیت ژئوپلیتیک و کریدورها این پژوهش از چند جنبه با آثار پیشین تفاوت اساسی دارد. ابتدا آنکه تمرکز اصلی آن بر تأثیر هم‌زمان کریدورهای جدید منطقه‌ای بر جایگاه راهبردی ایران ناظر بر فروپاشی رژیم اسد در سوریه است، درحالی‌که بیشتر مطالعات پیشین بر تحولات داخلی سوریه یا روابط دوجانبه ایران با دیگر کشورها متمرکز بوده‌اند. افزون بر این پژوهش به‌طور هم‌زمان ابعاد اقتصادی، امنیتی و سیاسی تأثیر کریدورها بر ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌این‌ترتیب رویکردی چندوجهی ارائه می‌دهد که در تحقیقات پیشین کمتر دیده می‌شود. تأکید خاص بر تأثیر کریدور داوود بر امنیت مرزهای غربی و شمال غربی ایران و نزدیکی رژیم اشغالگر قدس به کردهای عراق و سوریه موضوعی نوین و کمتر بررسی شده است. این تحقیق همچنین با ارائه سناریوهای مختلف برای آینده کریدورها و تأثیرات آن‌ها بر ایران رویکردی آینده‌نگرانه دارد که به تحلیل وضعیت گذشته و موجود محدود نمی‌شود. پیشنهادهای این پژوهش برای بازتعریف نقش ایران در منطقه و راهبردهای نوین مقابله با چالش‌های ژئوپلیتیکی زمینه‌ای مناسب برای تحقیقات آتی و سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای فراهم می‌آورد.

این پژوهش از منظر رویکرد، تحلیلی-تبیینی و از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای است. برای گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای اسناد راهبردی به کار گرفته شده است. منابع شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های مراکز مطالعاتی معتبر، پایگاه‌های خبری تخصصی و تحلیل‌های راهبردی بازیگران ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده‌اند. داده‌های گردآوری شده پس از طبقه‌بندی اولیه، با استفاده از چارچوب مفهومی مشتمل بر نظریات هارتلند، ریملند، قدرت دریایی ماهان و شرایط استثنایی اشمیت تحلیل شدند. در این راستا از رویکرد سناریونویسی ضمنی برای تحلیل وضعیت کریدورهای آی‌مک، جاده توسعه و داوود استفاده شد. تحلیل تطبیقی جایگاه ژئوپلیتیکی ایران پیش و پس از تغییر رژیم در سوریه، امکان ارزیابی تأثیر کریدورهای نوظهور بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

۲- قدرت ژئوپلیتیک ایران در غرب آسیا؛ از هژمونی تا انزوا

پیش از آن‌که دولت-ملت‌های مدرن در عصر نوین روی کار بیایند، کشور ایران در مرکزیت جاده‌ای ابریشم، قدرت بلامنازع در عرصه ژئوپلیتیک بود (افشار سیستانی، ۲۰۱۷، ۱۳-۱۶). افزون بر پیشینه‌ی تاریخی در نظریات متعددی از جغرافیای سیاسی ایران همواره دارای اهمیت است. نظریاتی چون هارتلند، ریملند و حتی قدرت دریایی ماهان، همگی به‌گونه‌ای قدرت و اهمیت این کشور در نظام بین‌الملل مورد تأیید قرار می‌دهند. شرایط ناپایدار ژئوپلیتیک و ظهور

بازیگران جدید در غرب آسیا، موجب تنزل جایگاه بلامنازع ایران شد. موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران در ادوار پهلوی اول و دوم نکات مثبت و منفی متفاوتی را برای این کشور با خود به همراه داشت. در این بازه تاریخی موقعیت تهران از آنجایی که در همسایگی شوروی قرار داشت، حائز اهمیت بود. قدرت ژئوپلیتیک ایران در این بازه فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرد. با وقوع انقلاب اسلامی در سرحدات ایران و تغییر نظام سیاسی در این کشور و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در عرصه جهانی، یک فصل جدید از ژئوپلیتیک برای ایران آغاز شد. در ابتدا جنگ میان ایران و عراق، یکی از وقایع متأثر از مبحث ژئوپلیتیک در این دوره است (هاشمی، فرجی راد و سروری^۱، ۲۰۱۷، ۸-۹). پس از نبرد هشت ساله تهران با بغداد، یک ثبات نسبی در منطقه حاکم شد. نتیجه این تثبیت وضعیت، نفوذ جغرافیایی ایران و بازیابی موقعیت ژئوپلیتیک خود در منطقه بود. اما با گذر زمان و به تأثیر از عوامل متعدد، عرصه رقابت میان بازیگران منطقه‌ای مجدداً آغاز شد.

در سال‌های اخیر، تلاش رقبای منطقه‌ای ایران در چند عرصه مشاهده‌پذیر است. قبل از سال ۲۰۱۰م رقابتی میان ایران در یک سمت و در سوی مقابل ترکیه، قطر و هم‌پیمانان آن‌ها به وقوع پیوست. تلاش طرفین برای تصاحب لوله انتقال گاز از مسیر سوریه به اروپا بود. در نتیجه ایران توانست با سبقت از بازیگران دیگر و با همراهی دولت وقت دمشق، امتیاز انتقال خط لوله گاز را تصاحب کند. در یک نتیجه دورتر هم همراهی سوریه با ج.ا.و عدم موفقیت آنکارا و دوحه از مقدمات ایجاد بحران ۲۰۱۱م در سوریه بود (داراج، تیامی نیا^۲، ۲۰۱۸، ۱۱-۱۵). با گذر از بحران مذکور بار دیگر تلاش‌های نافرجام رقبای منطقه‌ای ایران جایگاه ژئوپلیتیک تهران را هرچند شکننده ارتقا بخشید.



شکل ۱: تقابل ایران و رقبای برای انتقال خط لوله گاز (داراج، تیامی نیا^۲، ۲۰۱۸، ۱۵)

- 1- Hashemi, Farajirad, & Sarwar
- 2- Darj & Al-Tiaminiya
- 3- Darj & Al-Tiaminiya

در تصویر فوق دو طرح پیشنهادی برای انتقال لوله گاز از بستر اراضی سوریه به اروپا مشخص است. مسیر بنفش پروژه پیشنهادی دوحه و آنکارا بوده که از قطر آغاز و با گذر از عربستان، اردن، سوریه و نهایت ترکیه به اروپا می‌رسد. مسیر قرمز رنگ هم گزینه مورد اقبال دولت وقت سوریه را نشان می‌دهد، این طرح از بندرهای خلیج فارس در ایران آغاز و با گذر از عراق، سوریه و لبنان از مسیر دریایی به سمت اروپا حرکت می‌کند.

زمین بازی دیگری که در زمان معاصر میان ایران و دیگر بازیگران مطرح است به رقابت در مقوله‌ی تصاحب شاهراه‌های انتقالی بازمی‌گردد. چپستی مسئله، تلاش دولت‌های غرب آسیا برای زمامداری کریدورهای اصلی منطقه است. نبرد بر سر تصاحب شریان‌های اقتصادی و به تبع پیشتازی در عرصه ژئوپلیتیک، هدف اصلی بازیگران است. برای این مهم سه طرح آی‌مک، جاده توسعه و داوود پیش روی رقبای منطقه‌ای ایران قرار دارد. این بازیگران در سطح منطقه با دو طرح داوود و جاده توسعه و در سطح بین‌الملل توسط کریدور آی‌مک در تلاش برای تقلیل قدرت جغرافیایی ایران و تفوق خود هستند. آی‌مک را باید یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های قرن در حوزه ژئوپلیتیک دانست. آی‌مک مختصات سنتی جغرافیای آسیا را دگرگون خواهد کرد. بسیاری از دولت‌ها موجود در نظام بین‌الملل از این پروژه منتفع و برخی همچون ایران متضرر خواهند شد.

۳- کریدور آی‌مک؛ تولدی نو در برابر جاده‌ی ابریشم

سنگ بنای کریدور آی‌مک به تشکیل گروه همکاری آی ۲ یو ۲^۱ بازمی‌گردد. ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، امارات و هند، چهار عضو اولیه این شورا را تشکیل می‌دهند. طبق گزارش منتشر شده از کاخ سفید، اهداف متعددی در راستای تشکیل این نهاد ذکر شده است؛ اما تمرکز ویژه بر سرمایه‌گذاری‌های مشترک در حوزه‌هایی چون آب، انرژی، حمل و نقل، سلامت، غذا و ... از اصلی‌ترین اهداف این مجموعه است (کاخ سفید، ۲۰۲۲). یکی از طرح‌های اولیه گروه آی ۲ یو ۲، تشکیل کریدور آی‌مک است. پروژه اتصال بندر بمبئی^۲ هند به بندر حیفا^۳ در رژیم اشغالگر قدس با گذر از کشورهای عربی و در نهایت اتصال آن به بندر پیرائوس^۴ یونان را کریدور آی‌مک می‌کند. این پروژه را باید طرحی جایگزین از جانب آمریکا در برابر کمر بند جاده چین دانست.

۱- سرواژه I2U2 مخفف India, Israel, the United States, the United Arab Emirates می‌باشد. چهار کشور نام برده اعضای اولیه این گروه بوده که در آینده هم کشورهای چون مصر، عربستان سعودی، فرانسه و یونان از گزینه‌های موجود برای الحاق به این گروه هستند. اکتبر ۲۰۲۱ آغاز به کار این نهاد بوده و تقریباً با گذر یک سال اولین اعلامیه رسمی این گروه در سال ۲۰۲۲ منتشر می‌شود. تضمین امنیت و صلح در غرب آسیا، تغییر نظام ژئوپلیتیک و ژئوگنومی در آسیا و در نهایت ایجاد یک نظم فراگیر جدید در آسیا از اهداف کلان و راهبردی این طرح هستند.

2- The White House

3- Mumbai

4- Haifa

5- Piraeus

اتصال هند به اروپا افزون بر طرح کمربند جاده چین، بر منافع ج.ا.ا هم تأثیر مستقیم منفی دارد. این پروژه در چند سطح برای تهران تهدیدآمیز است: الف) کریدور عرب-مد موجب تقویت بی‌سابقه‌ی رقبای ژئوپلیتیک ایران در سطح منطقه می‌شود. ب) این طرح با گره زدن منافع اعراب و رژیم اشغالگر قدس با یکدیگر، پروژه عادی‌سازی روابط و پیمان ابراهیم^۱ را تسهیل می‌کند. ج) در نهایت نزدیکی هند به پروژه مذکور، این کشور را از ایران دوره کرده و نتیجه این امر، شکست و یا تضعیف بخش شرقی کریدور شمال به جنوب، با محوریت چابهار است. لازم به ذکر است در طرح توسعه چابهار و کریدور شرق، هند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (کاووس^۲، ۲۰۲۳).

۴- کریدور جاده توسعه؛ اتصالی بدیع از خلیج فارس به اروپا

افزون بر چین و ایران، بهره‌وری از آی‌مک، اقتصاد و قدرت سیاسی ترکیه را هم متضرر می‌کند؛ آنکارا برای حفظ جایگاه خود در مقابل طرح عرب-مد، کریدور جاده توسعه را در متن برنامه‌های خود گنجانده است. جاده توسعه یک دالان اقتصادی از بندر فاو در جنوب عراق به قلب ترکیه است. این طرح افزون بر اقتصاد دارای ابعاد امنیتی، انرژی، نظامی و... برای طرفین است. ترکیه، عراق، امارات متحده عربی و قطر اعضای پیمان چهارجانبه این پروژه هستند. این قرارداد خواهان ایجاد یک راه ترانزیت از خلیج فارس به سمت اروپا با محوریت عراق است. ترکیه از امضای این قرارداد خواهان احیای جایگاه مواصلاتی خود به اروپا و ایجاد یک جایگزین رقیب برای کانال سوئز است. در این رهگذر و با تأسیس ۱۲۰۰ کیلومتر راه‌آهن در مرکز عراق، این کشور هم نقش محوری برای خود می‌یابد. پروژه مذکور فاو را به یکی از اصلی‌ترین بندرهای خلیج فارس تبدیل کرده و با بازده سالانه ۴ میلیارد و ایجاد بیش از ۱۰۰ هزار شغل، اقتصاد این کشور را با رشد درخور توجهی مواجه می‌کند (سویلو^۳، ۲۰۲۴). پروژه جاده توسعه آثار منفی مستقیم و غیرمستقیم متفاوتی را متوجه ایران خواهد کرد.

- ۱- تغییر نوع بازیگری بغداد این کشور را بیش‌ازپیش از ایران دور کرده است و آن را به رقبای منطقه‌ای تهران، به‌ویژه ترکیه نزدیک می‌کند.
- ۲- فاو به‌عنوان رقیب اقتصادی و تجاری بندرهای ایران، قدرت بی‌سابقه‌ای کسب کرده است و به تبع از حجم بهره‌وری سواحل مختلف ایران به‌ویژه بندر چابهار کاسته می‌شود.
- ۳- با تضعیف چرخه‌ی اقتصاد در بندرهای ایران، گستره‌ی کلی اقتصاد این کشور هم با آثار سوء مستقیمی روبه‌رو خواهد شد.

1- Abraham Accords

2- Cavus

3- Soyulu

۴- برخی از اهرم‌های کنشگری ایران مانند اهرم انرژی و روابط تجاری، نسبت به بازیگران منطقه‌ای چون عراق و در مقابل بازیگران فرامنطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا هم به تأثیر از آغاز فعالیت این کریدور تضعیف خواهد شد.



شکل ۲: مسیر کریدورهای آی‌مک و جاده توسعه (سمسون^۱، ۲۰۲۳)

در این نقشه دو مسیر دیده می‌شود. خطوط آبی‌رنگ مسیر کریدور آی‌مک را مشخص کرده که از بندر بمبئی آغاز و با گذر از مسیر دریایی به امارات، عربستان، اردن و نهایت رژیم صهیونیستی رسیده و از تل‌آویو به سمت اروپا مسیر خود را ادامه می‌دهد. نوار نارنجی‌رنگ هم مسیر جاده توسعه را مشخص کرده که از بندر فاو در جنوب عراق آغاز و در بندر مرسین^۲ ترکیه پایان می‌یابد.

۵- کریدور داوود؛ بسط قدرت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا



1- Samson

2- Mersin

شکل ۳: نقشه‌ی احتمالی کریدور داوود (سناریوی اول و دوم) (iraqhuffpost,2025)

در وانفسای تغییر نقشه‌ی ترانزیت و ژئوپلیتیک منطقه، رژیم اشغالگر قدس هم در راستای اهداف و منافع خود در تکاپو است. کریدور داوود طرح جدید این بازیگر برای پیشبرد برنامه‌های خود است. با سقوط دولت بشار اسد در سوریه و تغییر نظام سیاسی در این کشور اولین اقدامات رژیم صهیونیستی برای برنامه‌های خود آغاز شد. این بازیگر با بهره‌گیری از شرایط هرج و مرج و بی‌ثباتی ایجادشده بخشی از سوریه را اشغال کرد؛ این اقدام را می‌توان اولین قدم در راستای تحقق طرح کریدور داوود دانست.

برخلاف دو دالان آی‌مک و جاده توسعه که نقشه‌ی راهی نسبتاً مشخص برای خود دارا هستند، کریدور داوود امری مجهول با مختصات نامعلوم است. از این رو فهم این پروژه با گمانه‌زنی‌های متعددی روبه‌رو است. آنچه از این طرح مشخص است، رژیم صهیونیستی در تلاش است تا با ایجاد این کریدور سرزمین‌های خود را از طریق خاک سوریه به قلب منطقه‌ی غرب آسیا متصل کند؛ اما چیستی و مختصات آینده این گذرگاه در سه سناریوی کلی طرح می‌شود:

الف) رژیم اشغالگر قدس با حضور در جنوب سوریه و گذر از استان‌های قنیطره^۱، درعا^۲ و سویدا^۳ خود را به منطقه‌ی تحت تسلط آمریکا یعنی التنف^۴ و استان‌های کردنشین سوریه یعنی جزیره^۵ متصل می‌کند. در نهایت از این گسترش نفوذ به تأمین اهداف خود می‌پردازد.

ب) رژیم اشغالگر قدس افزون بر حضور در منطقه‌ی کردنشین سوریه در مجاورت رود فرات و گذر از مرحله‌ی اول، مسیر کریدور خود را گسترش داده و با گذر از مرزهای سوریه، وارد کشور عراق شده و طرح داوود تا مناطق کردنشین عراق ادامه می‌یابد (بتانیا^۶، ۲۰۲۴).

ج) در رادیکال‌ترین سناریوی ممکن حضور رژیم اشغالگر قدس به منطقه‌ی شامات محدود نشده و برای امتداد مسیر خود دو راه ارتباطی دیگر پیش روی آن است. اولاً رژیم صهیونیستی با حضور در منطقه‌ی کردی عراق و سوریه می‌تواند ارتباط بی‌واسطه‌ای با کردهای ایران و ترکیه برقرار کند و در ثانی رژیم اشغالگر قدس بیش از هر زمان دیگر به یکی از اصلی‌ترین هم‌پیمانان منطقه‌ای خود، یعنی آذربایجان نزدیک می‌شود. این مسئله می‌تواند به فعال شدن کریدور زنگه‌زور^۷ هم کمک شایانی کند تا از این طریق ارتباط مستقیم رژیم اشغالگر قدس با آذربایجان به کم‌ترین میزان مسافت خود برسد.

1- Al-Qunitra

2- Daraa

3- Sweida

4- Al-Tanf

5- منطقه‌ی کردنشین سوریه که شامل سه استان حسکه، رقه و دیرالزور می‌شود

6- Btania

7- Zangezur corridor

انگیزه‌ها و اهداف متعددی پیش روی رژیم صهیونیستی برای تأسیس این طرح است. موضوعات متنوع اقتصادی، فرهنگی و امنیتی دلایل رژیم اشغالگر قدس برای آغاز این پروژه است. فارغ از نگاه به سناریوهای مدنظر رژیم اشغالگر قدس اهداف کلان و مشخصی را در این پروژه دنبال می‌کند؛ اما بر حسب میزان گسترش این کریدور و تسری آن به سناریوهای دوم و سوم، امکان موفقیت رژیم اشغالگر قدس برای دستیابی گسترده‌تر به اهداف پیش رو بیشتر خواهد شد. اغراض و آماج رژیم صهیونیستی از این طرح به این شرح است:

۱- رژیم اشغالگر قدس بازیگری با عمق راهبردی شکننده بوده و تا پیش از پیمان ابراهیم^۱ در وضعیت انزوای سیاسی قرار داشته است. خروج از انزوا و گسترش عمق راهبردی خود تا قلب منطقه غرب آسیا چپستی و چرایی این کریدور را در برمی‌گیرد. در یک شمای کلی رژیم اشغالگر قدس در تلاش است تا با ورود بیش‌ازپیش به خاک سوریه عمق راهبردی جدیدی برای خود تعریف کند (ابوعامر^۲، ۲۰۲۲).

۲- رژیم اشغالگر قدس بازیگری است که عموماً در تخاصم با همسایگان خود به سر می‌برد. از همین رو در تلاش است تا با گسترش نفوذ خود به هم‌پیمانان خود یعنی آمریکا در منطقه التفت و کردهای سوریه و عراق متصل شود (الستیکلال. نت^۳، ۲۰۲۴).

۳- کسب منابعی جدید برای پاسخ به نیازهای پیش روی جامعه، از ابتدایی‌ترین علل شکل‌گیری این کریدور است. فلسطین اشغالی در آخرین آمار موجود نهمین کشور مواجهه با تنش آبی است (بازبینی جمعیت جهان^۴، ۲۰۲۴). این بازیگر برای گذر از بحران کم‌آبی به منابع آبی سوریه چشم دوخته است. تا قبل از تغییر نظام سیاسی در سوریه، بخش درخور توجهی از نیاز رژیم اشغالگر قدس به منابع آب، از دریاچه طبریا^۵ که متعلق به سوریه بوده و در سال ۱۹۶۷ توسط رژیم اشغالگر قدس غصب شده است، تأمین می‌شد. با تغییر حاکمیت در سوریه و پیشروی نیروهای رژیم صهیونیستی در این کشور، منابع آبی دیگری همچون سد الوحده^۶ به تصرف رژیم اشغالگر قدس درآمد. در حال حاضر حدود ۴۰٪ از منابع آبی سوریه تحت اشغال و تصرف رژیم اشغالگر قدس واقع شده است (پرس تی‌وی^۷، ۲۰۲۵) در آینده هم تلاش رژیم اشغالگر قدس برای تصرف جنوب سوریه و استمرار این حرکت تا رود فرات، در چهارچوب دستیابی به منابع آبی مضاعف ترجمه می‌شود.

۴- افزون بر مقوله‌ی آب مورد از دیگر نیازهای رژیم اشغالگر قدس که منجر به تأسیس گذرگاه داوود شده، به مبحث جمعیت بازمی‌گردد. رژیم اشغالگر قدس با تراکم جمعیت ۴۴۰ و رشد

1- Abraham Accords

2- Abu Amer

3- alestiklal.net

4- Review world population

5- Lake Tiberias

6- Al Wahda Dam

7- presstv

۲.۱ با پدیده‌هایی چون انفجار جمعیت، روبه‌رو است (ووردمترز^۱، ۲۰۲۵) این بازیگر برای رفع این تهدیدات نیاز به خروج از مرزهای فعلی و دستیابی به سرزمین‌های جدید است. در همین راستا رژیم اشغالگر قدس با حضور در سرزمین‌های سوریه می‌تواند بحران جمعیت را با افزایش شهرک‌سازی در این اراضی کنترل کند. سابق بر این هم بارها پروژه شهرک‌سازی در سرزمین‌های سوریه به تصویب مقامات رژیم اشغالگر قدس رسیده است (برمان و استاف^۲، ۲۰۲۴).

۵- به تأثیر از بحران آب و جمعیت، مباحثی چون تأمین منابع برقی و دیگر انرژی‌ها و تأمین منابع کشاورزی پیش روی مقامات رژیم صهیونیستی است. رژیم اشغالگر قدس با تصرف منابع آبی و زمین از سرزمین‌های مجاور می‌تواند نیازهای خود برای تأمین برق، انرژی و موضوعات پیرامون کشاورزی را تسهیل کند.

۶- انگیزه رژیم اشغالگر قدس از تأسیس کریدور داوود صرفاً به مباحث اقتصادی محدود نخواهد بود. تلاش رژیم اشغالگر قدس برای گذر از منطقه التنف و رسیدن به سرزمین‌های مجاور رود فرات، افزون بر تأمین آب و انرژی در راستای دستیابی به پروژه رژیم اشغالگر قدس بزرگ و رویای حضور از رود نیل تا فرات فهم‌پذیر است. رژیم صهیونیستی در صورت تأسیس کریدور داوود و حضور در شمال و شرق سوریه می‌تواند برای اولین مرتبه، گستره حضور خود را با اراضی وعده داده شده در تورات منطبق کند (الستیکلال^۳، نت^۴، ۲۰۲۴).

۷- رژیم اشغالگر قدس با حضور مستقیم در قلب خاورمیانه، نه فقط ضعف راهبردی خود در مقابله رقبا به‌ویژه ج.ا.ا پوشش می‌دهد، بلکه قدرت خود را به شیوه‌ای کم‌سابقه افزایش خواهد داد. رژیم اشغالگر قدس با گسترش این طرح می‌تواند خود را در همسایگی متحدان خود، یعنی آمریکا، کردها و حتی آذربایجان مشاهده کند؛ با کسب این مهم مراودات اقتصادی، نظامی و امنیتی میان این بازیگران بیش‌ازپیش تسهیل شده و موانع سابق را دارا نخواهد بود. رژیم اشغالگر قدس بیش از پروژه داوود هم با کردها در منطقه و کشور جمهوری آذربایجان روابط متنوعی داشته است. حال با تأسیس این گذرگاه این روابط از عمق بیشتری برخوردار خواهند شد (باقری دولت‌آبادی، جعفری فر^۴، ۲۰۲۳: ۲۰-۱۴).

رژیم صهیونیستی به هر مقدار که بتواند پروژه خود را به سناریوی سوم نزدیک‌تر کند از امتیازات بیشتری بهره‌مند خواهد شد؛ اما موانع متعددی پیش روی کریدورهای سه‌گانه مذکور و به‌ویژه دالان داوود وجود داشته است. در حال حاضر برخی از این مباحث رفع شده و برخی همچنان پابرجاست و این موانع می‌توانند مانع پیشرفت و پیشبرد کریدورهای نام‌برده بشوند.

1- worldometers

2- Berman & Staff

3- alestiklal.net

4- Bagheri Dolatabadi & Jafarifar

۶- موانع موجود در مسیر تحقق کريدورها

۶-۱- مانع خاص؛ تغيير ساختار سياسی سوریه

برای تغییر مختصات نقشه ترانزیتی و ژئوپلیتیک منطقه و محقق شدن کريدورهاى مذکور موانعی موجود است. یکی از این موارد، کنشگری قدرت‌های سنتی به‌عنوان سنتز و نیروی بازیگران مخالف است. نظام سابق در سوریه خود یکی از بازیگران اصلی ژئوپلیتیک منطقه و در صفوف متحدان اصلی ج.ا.ا قرار داشت. ازاین‌رو یکی از موانع اصلی تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه بود. دمشق به دلایل متعدد، همکاری با ایران را نسبت به بازیگرانی چون ترکیه، قطر، عربستان سعودی، رژیم اشغالگر قدس و ... ترجیح می‌داد. به همین سبب برای ایجاد تغییر در نقشه‌ی ژئوپلیتیک منطقه با دیگران همراه نبود. بنابراین بازیگران مذکور برای پیشبرد اهداف خود، نسبت به تغییر نظام سیاسی در این کشور اقدام کردند (افشردی و علمداری^۱، ۲۰۱۷، ۱۰-۱۷).

تغییر نظام سیاسی در سوریه، در تغییر نظام ژئوپلیتیک منطقه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته است. پیرامون تسهیل روند جاده توسعه، تغییر حاکمیت در سوریه به‌صورت غیرمستقیم تأثیر گذاشته است. با توجه به اینکه ارتباط ژئوپلیتیکی و ترانزیتی مسیر ایران، عراق و سوریه به‌نوعی به پایان رسیده است؛ پروژه جاده توسعه در غیاب محور تهران - دمشق بهترین جایگزین ممکن برای آن است. عراق هم در این شرایط نیازمند بازتعریف جایگاه خود در عرصه‌ی ژئوپلیتیک منطقه است؛ در همین راستا به برنامه‌های جاده توسعه بیش‌ازپیش نزدیک می‌شود (رنج^۲، ۲۰۲۴، ۳-۸) نیازمندی کريدور داوود به تغییر حاکمیت در سوریه بسیار پررنگ و مبرهن است. رژیم صهیونیستی از دو جهت امکان پیشبرد گذرگاه داوود را در دولت گذشته سوریه نداشت؛ اولاً وجود دولتی نسبتاً باثبات، امکان پیشروی نظامیان رژیم اشغالگر قدس در خاک سوریه را به شیوه امروزی از آن‌ها سلب می‌کرد. دوماً نوع روابط خصمانه میان سوریه و رژیم اشغالگر قدس و عضویت دولت سوریه در محور مقاومت امکان پیشبرد این طرح را با مانعی بسیار بزرگ روبه‌رو می‌کرد. درنتیجه دولت سابق در سوریه و نوع کنشگری این بازیگر، آن را باید یکی از اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین موانع تغییر نقشه‌ی ژئوپلیتیک در منطقه بدل کرده بود.

شرایط نظام سابق در سوریه مانعی در مقابل کريدورها و طرح‌های ترانزیتی جدید به‌ویژه گذرگاه داوود بود. درنتیجه با توجه به عدم همکاری دولت وقت سوریه، تلاش بازیگران منطقه‌ای معطوف به تغییر رژیم سیاسی در این کشور شد. لازم به ذکر است، بحران ۲۰۱۱ که خود دارای

1- Afshordi & Alamdar

2- Ranj

زمینه‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی بود (بیات و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۱۸-۳۳)، هرچند تماماً به موفقیت دست نیافت، اما گسل‌های به‌جامانده از آن زمینه‌ساز سقوط دولت بشار اسد شد. در نهایت بازیگرانی چون رژیم صهیونیستی، آمریکا، ترکیه و ... با بهره‌گیری از گسل‌ها و امکانات موجود در جامعه سوریه، نسبت اسقاط نظام بعث در این کشور اقدام کردند و این بار موفق شدند.

۲-۶- موانع عام

افزون بر نظام سیاسی سابق در سوریه، موانعی بالقوه در مقابل بهره‌وری از کریدورهای سه‌گانه وجود دارد. هر یک از دالان‌های آی‌مک، جاده توسعه و داوود برای پیشبرد مسیر خود موانع داخلی و خارجی مختلفی را در مقابل خود مشاهده می‌کنند. کریدور آی‌مک دارای موانع متعددی در دو بعد داخلی و خارجی است که به این شرح هستند:

- ۱- برای اتصال دو بندر بمبی به حیفا در بعد خارجی منافع متضاد بازیگرانی چون ایران، ترکیه و چین دیده می‌شود.
 - ۲- دو دالان جاده توسعه و کمربند و جاده چین از رقبای اصلی این طرح با مزیت‌های متنوع نسبت به این پروژه هستند.
 - ۳- در بعد داخلی مسافت و مسیر دریایی هند تا خلیج فارس، در مقابل جاده زمینی دالان‌های رقیب یک عامل منفی برای ترغیب بازیگران نسبت به همکاری با این کریدور است.
 - ۴- شرایط خاص رژیم صهیونیستی هم از دو جهت عاملی منفی برای پیشبرد این کریدور است؛ نامشخص بودن شرایط عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم اشغالگر قدس و امنیت شکننده سرحدات رژیم صهیونیستی با تأکید بر حملاتی چون هفتم اکتبر (رکابیان و همکاران^۲، ۲۰۲۴) از دیگر مباحث پیش روی این پروژه است.
- کریدور فاو به مرسین هم با عنوان جاده توسعه که ابتکاری بدیع در قلب غرب آسیا است، دارای موانع متعددی و بعضاً پیچیده پیش روی خود است، که احصاء این موارد رسالت حال حاضر این متن است.
- ۱- در بعد داخلی تمهیدات لازم برای تشکیل این گذرگاه، به‌ویژه تخصیص بودجه لازم و ایجاد ۱۲۰۰ کیلومتر راه‌آهن از جنوب به شمال (سویلو^۳، ۲۰۲۴) از مباحث این طرح بوده که می‌تواند در بعد زمان موجب پیشتازی کریدورهای رقیب بشود.
 - ۲- مسائلی متعددی مانند حضور تروریسم، عدم دولت مرکزی مقتدر در عراق، حضور نیروها و پایگاه‌های آمریکایی و ... همگی موجب شده تا رتبه عراق در میان دولت‌های نظام بین‌الملل

1- Bayat, Ahmadi, Zaki & Etaat

2- Rekabian, Padarvand and Ezzati

3- Soyulu

- در حوزه‌ی امنیت عدد ۱۵۳ را نشان دهد (بازبینی جمعیت جهانی^۱، ۲۰۲۴) مقوله‌ی ناامنی و چالش‌های ناشی از آن یکی دیگر از اصلی‌ترین موانع موفقیت کریدور فاو به مرسین است.
- ۳- در فراتر از مرزها هم مجدداً منافع متضاد بازیگرانی چون ایران، چین، رژیم صهیونیستی و... و رقابت کریدورهای موجود با این دالان، از موانع خارجی این پیشرفت این کریدور است. کریدور داوود بیش از دو دالان دیگر موانع متعددی را پیش روی خود مشاهده می‌کند. این بازدارندگان موجب شده تا طرح داوود نسبت به پروژه‌های دیگر فاصله‌ی مضاعفی برای رسیدن به مرحله‌ی بهره‌وری داشته. موانع موجود طرح داوود هم به این شرح است:
- ۱- ایران، ارمنستان، عراق، سوریه، ترکیه و... مجموعه‌ی گسترده‌ای از بازیگرانی هستند که منافع و امنیت آن‌ها از جانب کریدور داوود تهدید می‌شود. تقابل این بازیگران با کریدور داوود، از جنس تضاد میان طرفین آی‌مک و جاده توسعه نیست. این تقابل از بعد اقتصادی فراتر رفته و در قالب یک تهدید امنیتی نمایان است.
- ۲- افزون بر بازیگران دولتی بازیگران غیردولتی هم مانعی برای دستیابی رژیم اشغالگر قدس به اهداف خود در این پروژه هستند. مقاومت‌های مردمی و سازمان‌یافته در سوریه و عراق و حتی لبنان مانعی بزرگ برای حیات گذرگاه داوود است. گروه‌های مختلفی چون مقاومت‌های تازه تأسیس سوریه و عراق مانند حزب‌الله کردستان و جریانات باسابقه‌تر چون حشدالشعبی، قابلیت ایجاد موانعی مختلف برای امنیت این گذرگاه و کارویژه اصلی آن، دارا هستند.
- ۳- هدف رژیم صهیونیستی از تأسیس کریدور داوود تأمین منابع و منافع مورد نیاز خود از محیط سوریه است (سويدان^۲، ۲۰۲۴). این مبحث موجب شده تا تقابل سوریه با این طرح فراتر از سطوح دولتی و گروه‌های مقاومت، به سطح مردمی هم گسترش یابد و مردم برای حفظ منابع حیاتی خود در مقابل اقدامات رژیم صهیونیستی ایستادگی نمایند.
- ۴- افزون بر موارد نام‌برده شرایط آینده کردها در سوریه، از موضوعات مقابل این پروژه است. آمریکا و ترکیه به‌عنوان دو بازیگر پیرامون موضوع کردها در شمال سوریه با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. دولت موقت سوریه هم با استقلال قسد^۳ و جدایی‌طلبی آن‌ها مخالف است. اما رژیم اشغالگر قدس برای طرح داوود خواهان استقلال نسبی کردها در شمال سوریه است. زیرا با توجه با حسن سابقه این دو بازیگر، کردها در شمال سوریه متحد مناسبی برای رژیم صهیونیستی هستند. در نتیجه در صورتی ایالات متحده و ترکیه بر سر حذف خودمختاری

1- Review world population

2- Sweidan

3- Syrian Democratic Forces(SDF)

کردها و الحاق آن‌ها به دولت سوریه به توافق برسند، رژیم اشغالگر قدس از این امر متضرر خواهد شد (علیم^۱، ۲۰۲۴، ۱۲-۱۶).

در بیانی مجمل، تأمین امنیت کریدور داوود برای رژیم اشغالگر قدس امری توأم با هزینه‌های فراوان است، اما عواید حاصل از آن مقامات رژیم صهیونیستی را نسبت به این امر ترغیب می‌کند. با وجود موانع موجود برای پروژه داوود، در صورتی که این کریدور به فعلیت برسند، همانند دو طرح دیگر نتایج مختلفی را با خود برای ایران به همراه خواهد داشت. مجموعه این اقدامات ج.ا.ا را در شرایطی نوین و کم‌سابقه قرار داده که این وضعیت برای تهران مختصات خاصی را به همراه دارد.

۷- تنگنای ژئوپلیتیک ج.ا.ا و تهدید امنیت ملی این کشور، در پرتوی تشکیل کریدورهای سه‌گانه

در حال حاضر ایران در هیچ یک از برنامه‌های پیش روی ژئوپلیتیک منطقه قرار نداشته و نقش مؤثری در ژئوپلیتیک آینده غرب آسیا نخواهد داشت. فی‌الحال بازیگران منطقه در حوزه جغرافیای سیاسی در سه گروه مختلف تفکیک پذیرند. (۱) بازیگران نوین در قدرت ژئوپلیتیک، مانند رژیم صهیونیستی که با تحقق طرح‌های موجود، به قدرتی نوظهور در این حوزه بدل خواهد شد. (۲) بازیگران سنتی که با وجود تغییر نقشه‌ی ترانزیتی منطقه، قدرت خود را در این مختصات بازتعریف کرده‌اند؛ مانند ترکیه. (۳) قدرت‌های سنتی که در نقشه‌ی جدید منطقه از قدرت و جایگاه آن‌ها کاسته شده و تهدیدات متعددی متوجه آن‌ها است. جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ی بارزی برای گروه سوم است که تهدیدات پیش روی آن به این شرح است:

- ۱- در وضعیت جدید در وهله اول دسترسی ایران به سواحل مدیترانه لغو و نفی شده و در نتیجه میزان حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران به میزان محسوسی کاهش یافته است.
- ۲- در شرایط پیش رو نه فقط ایران برخلاف تاریخ در مرکزیت مسیرهای ترانزیتی قرار نداشته، بلکه عضویت این کشور در کریدورهای جدید تماماً نادیده گرفته شده و مسیرهای جایگزین برای آن اتخاذ شده است. در همین بستر تهران شرکا و هم‌پیمانان ژئوپلیتیک سابق خود را از دست داده و در ائتلاف‌های جدید، محلی از اعراب ندارد.
- ۳- تضعیف بخش شرقی کریدور شمال به جنوب، ضربه‌ی مستقیم به حجم اقتصاد و تجارت ایران، برتری رقبای منطقه‌ای، ضربه‌ی مستقیم به بندرهای خلیج فارس و... همگی از دیگر تأثیرات منفی نقشه‌ی ژئوپلیتیک جدید منطقه برای ج.ا.ا است.
- ۴- در بخش تفوق رقبای منطقه‌ای ایران، افزایش توان ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی ذیل کریدورهای داوود و آی‌مک از اهمیت بالایی برخوردار است. با ایجاد دالان‌های مذکور،

قدرت و نفوذ رژیم اشغالگر قدس در منطقه فزونی یافته و آثار مخربی از این گذر متوجه ایران خواهد شد.

۵- نزدیکی محیطی دوچندان رژیم صهیونیستی با کردها و جمهوری آذربایجان، مستقیماً بر امنیت ملی و امنیت مرزهای ایران تأثیر گذاشته و غرب و شمال غربی ایران بیش از پیش توسط متحدان رژیم اشغالگر قدس مورد تهدید واقع می شود.

۶- در بستر جدید ارتباط ایران با مرزهای رژیم اشغالگر قدس تضعیف و در مقابل اتصال نیروی صهیونیستی با سرحدات ایران تقویت می شود. ضعف محور مقاومت هم از آثار متأخر این مبحث است.

درمجموع شرایط آینده به سمتی حرکت کرده که با تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه جمهوری اسلامی ایران در یک تنگنای حداکثری قرار می گیرد. در این شرایط شریان های تنفسی این کشور محدود شده و تهران در سه بعد اقتصاد، امنیت و سیاست تحت فشار حداکثری و انزوا قرار می گیرد. شرایط پیش رو یک وضعیت استثنایی است که همانند آن در تجربیات سیاست خارجی ایران کم نظیر است. در نتیجه ج.ا.ا را وارد مرحله ی نادر و سخت خواهد شد. در بعد اقتصادی برخی از طرح های دولتی و غیردولتی ما تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته و نتایج مشخصی پیش روی خود ندارند. در ادامه هم بسیار از شرکای سنتی ایران از این کشور دور شده و کم تر مناسبات تجاری میان ایران و همسایگان در تبادل خواهد بود. در کل تغییر نقشه ژئوپلیتیکی منطقه تأثیر منفی فراوانی بر حجم اقتصاد ایران و گردش مالی آن خواهد داشت. در بعد سیاسی هم به تأثیر از روابط تجاری ارتباطات دیپلماتیک تقلیل یافته و ارتباطات تهران محدود می شود. افزون بر این قدرت چانه زنی ج.ا.ا در بسیاری از امور کاهش می یابد. در آخر هم در مقوله ی امنیت تهدیدات متعددی به تأثیر از اقتصاد و سیاست شکننده متوجه ایران خواهد شد. خطرات امنیتی مستقیمی هم ناشی از قدرت گیری دشمنان و رقبای منطقه ای ایران در مقابل این کشور قرار می گیرد. در یک دید جامع ابعاد مختلف امنیت در جمهوری اسلامی ایران اعم از سیاست، اقتصاد، امنیت و... تحت الشعاع شرایط جغرافیایی قرار گرفته و هرآینه زیست ایران در تنگنا و انزوا سپری خواهد شد.

تجزیه و تحلیل

بر اساس یافته های پژوهش، تغییر نظام سیاسی در سوریه بستر راهبردی جدیدی برای بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای فراهم آورده است تا پروژه های کریدوری خود را توسعه دهند و جمهوری اسلامی ایران را از معادلات کلیدی ژئوپلیتیکی حذف کنند. کریدورهای آی مک، جاده توسعه و داوود هر یک با منطق خاص ژئواستراتژیک طراحی شده اند اما در نهایت هم راستا با سیاست مهار نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا عمل می کنند. از منظر سیاسی ایران با از دست دادن یک

متحد مهم (سوریه)، بخشی از عمق استراتژیک خود را در منطقه از کف داده و ارتباط با محور مقاومت تضعیف شده است. از بعد اقتصادی، مسیرهای جایگزین ترانزیتی موجب بی‌اهمیت شدن جغرافیای ترانزیتی ایران و کاهش مزیت رقابتی آن در زمینه انتقال انرژی و کالا شده‌اند. از نظر امنیتی هم با نزدیک شدن رژیم صهیونیستی به مرزهای ایران از طریق کردستان عراق و سوریه و تحرکات در شمال غرب، تهدیدات مستقیم و ترکیبی افزایش یافته است. از این منظر سه نوع فشار بر ایران وارد می‌شود:

- ۱- فشار ساختاری ژئوپلیتیکی (حذف از مسیرهای راهبردی)
- ۲- فشار ائتلافی (همگرایی رقبا منطقه‌ای علیه ایران)
- ۳- فشار درون‌زا (کاهش توان چانه‌زنی در سیاست خارجی و ضعف در بازتعریف نقش منطقه‌ای).

بنابراین تحلیل کلان نشان می‌دهد که تحولات اخیر افزون بر ایجاد چالش‌هایی راهبردی برای ایران، تهران را در آستانه یک بازتعریف ژئوپلیتیکی قرار داده است. اگر سیاست‌ها و راهبردهای کارآمد و هوشمندانه‌ای اتخاذ نشود جایگاه ایران در نظم نوین منطقه‌ای به شدت تضعیف خواهد شد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر کریدورهای جدید منطقه‌ای شامل کریدور آی‌مک، جاده توسعه و کریدور در حال برنامه‌ریزی داوود پس از تغییر رژیم در سوریه بر جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه این کریدورها توسط بازیگران رقیب نظیر ترکیه، رژیم اشغالگر قدس، عربستان سعودی و امارات با حمایت ایالات متحده آمریکا نه فقط مسیرهای ترانزیتی و اقتصادی ایران را به حاشیه رانده بلکه موجب کاهش نفوذ این کشور در معادلات منطقه‌ای شده است. این تحولات ایران را با یک تنگنای ژئوپلیتیکی مواجه کرده است که پیامدهای آن در ابعاد اقتصادی، امنیتی و سیاسی مشاهده می‌شود. از منظر اقتصادی کریدورهای جدید جایگزین مسیرهای سنتی ترانزیتی ایران شده و این کشور را از جایگاه محوری در انتقال انرژی و کالا به اروپا و دیگر نقاط جهان به نقش حاشیه‌ای تنزل می‌دهند. این امر نه فقط به کاهش درآمدهای اقتصادی ایران منجر شده بلکه بندرهای مهمی مانند چابهار را هم با چالش‌های جدی مواجه کرده است. از سوی دیگر تقویت همگرایی میان رقبای منطقه‌ای و افزایش نفوذ رژیم اشغالگر قدس در مجاورت مرزهای ایران امنیت ملی این کشور را به شدت تهدید می‌کند. نزدیکی رژیم اشغالگر قدس به کردهای عراق و سوریه و همچنین جمهوری آذربایجان مرزهای غربی و شمال غربی ایران را در معرض خطرات امنیتی بیشتری قرار داده است.

در بعد سیاسی هم ایران با کاهش تأثیرگذاری در محور مقاومت و از دست دادن مسیرهای دسترسی به هم‌پیمانان سنتی خود مانند سوریه و حزب‌الله در انزوای فزاینده‌ای قرار گرفته است. تغییر نظام سیاسی در سوریه و تغییر جهت‌گیری عراق به سمت کریدور جاده توسعه حاکی از تلاش برای کاهش نفوذ ایران در منطقه است. این شرایط ایران را در موقعیتی حساس قرار داده که نیازمند اتخاذ راهبردهای نوین و چابک برای مقابله با چالش‌های پیش رو است. برای خروج از این تنگنای ژئوپلیتیکی ایران نیازمند بازتعریف نقش خود در منطقه، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و اتخاذ راهبردهای بلندمدت برای حفظ منافع ملی است. در غیر این صورت جایگاه ایران در نظم جدید منطقه‌ای تضعیف خواهد شد و این کشور با چالش‌های جدی‌تری در آینده مواجه خواهد شد.

منابع و اسناد معتبر در رابطه با گذرگاه‌های آی‌مک و جاده توسعه به میزان درخور توجهی در دسترس است و از بخش عمده‌ای از آن‌ها به صورت عمومی می‌توان بهره‌برداری کرد. با این حال یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند پژوهش فقدان اطلاعات دقیق و مستند درباره طرح داوود است. این کاستی نویسندگان را ناگزیر ساخته تا با تکیه بر تحلیل منابع شفاهی، بصری و تاریخی به بررسی رخدادهای گذشته و بازسازی سناریوهای ممکن در این حوزه بپردازند. اهمیت راهبردی کریدورهای نوظهور به‌ویژه طرح داوود و تلاش مستمر رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی برای تضعیف جایگاه ژئوپلیتیکی ایران از جمله موضوعات کلیدی است که نیازمند پژوهشی عمیق و نظام‌مند است. در این راستا واکاوی دقیق ابعاد مختلف این رقابت و نقش ایران در معادلات ژئواقتصادی منطقه می‌تواند به درک بهتری از پویایی‌های ژئوپلیتیکی موجود منجر شود.

منابع فارسی

- جهانگیری، سعید؛ اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)». فصلنامه راهبرد سیاسی. سال دوم. شماره ۶. صص ۷۷-۵۵.
- درج، حمید؛ التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۷). «تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال هفتم. شماره ۳. صص ۵۴-۲۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- رکابیان، رشید؛ پادروند، مهدی؛ عزتی، محسن (۱۴۰۳). «طوفان القصی و تأثیر آن بر بحران امنیتی و سیاسی اسرائیل». فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام. سال یازدهم. شماره ۱. صص ۱۳۹-۱۱۷.
- مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۴۰۲). «کریدور جدید؛ تمنای تاریخی اعراب برای دور زدن ایران».
- مفخمی شهرستانی، حسن؛ نیرومند، حیدرعلی (۱۳۹۸). «نقش عوامل ژئوپلیتیک در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی. سال هفدهم. شماره ۱۲. صص ۲۵۹-۲۸۰.
- هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم (۱۳۹۶). «تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق». پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل. سال پنجم. شماره ۲. صص ۱۴۳-۱۱۸.

عربی

- البطاینة، سلیم (۲۶ دسامبر ۲۰۲۴) «ممر داوود.. والحلم الصهيوني بالوصول لنهر الفرات عبر سوريا».
- هف بوست عراقی (۷ ژانویه ۲۰۲۵) «ممر داود يربط إسرائيل بأكراد العراق وسوريا».

- Abu Amer, A. (2022, April 21). *Middle East Monitor*.
- Afshar (Sistani), Iraj. (2017). "A Study of the Historical Geography of the Silk Road and Iran's Prominent Role in Its Formation." *Iranian Studies Quarterly*, Vol. 3, No. 3. [In Persian]
- Afshordi, Mohammad Hossein; Alamdari, Esmaeil. (2017). "An Analysis of the Geopolitical Interests of Foreign Actors Influencing the Syrian Geopolitical Crisis." *Quarterly Journal of Political Geography Research*, Vol. 2, No. 4. [In Persian]
- Ahmadian, H., & Mohseni, P. (2019). Iran's Syria strategy: The evolution of deterrence. *International Affairs*, 95(2), 341–364.
- Al-Bataineh, Salim. (2024, December 26). "David's Corridor... and the Zionist Dream of Reaching the Euphrates River through Syria." *HuffPost Iraq*. [In Arabic]
- alestiklal.net. (2024). *Syrian power struggle: Turkiye and 'Israel' clash over 'David's Corridor' plan*.
- Alim, E. (2024, September 20). *Allies in a standoff*.
- Bashiriyyeh, Hossein. (2003). *Teaching Political Science: Foundations of Theoretical and Foundational Political Science*. Tehran: Negah-e Moaser. [In Persian]
- Bayat, Hamidreza; Ahmadi, Bayat; Zaki, Yashar; Etaat, Javad. (2020). "Explaining the Pattern of Regional Powers' Relations in the Syrian Geopolitical Crisis." *International Geopolitics Quarterly*, Vol. 16, No. 1, pp. 37–74. [In Persian]
- Berman, L., & Staff, T. (2024, December 16). *The Times of Israel*.
- Cavus, U. (2023, October 27). *heconomist*.
- Center for Political and International Studies. (2023). "The New Corridor; The Arabs' Historical Desire to Bypass Iran." [In Persian]
- Daraj, Hamid; Altiyami-Nia, Reza. (2018). "Analyzing Qatar's Diplomacy Regarding the Syrian Crisis with Emphasis on Qatar-Saudi Political Relations." *Islamic World Political Studies Quarterly*, Vol. 7, No. 3, pp. 23–54. [In Persian]
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal. (2017). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Hashemi, Seyed Mostafa; Faraji-Rad, Abdolreza; Sarvar, Rahim. (2017). "Explaining the Geopolitical Factors Affecting Iran-Iraq Relations." *Iranian Journal of International Politics*, Vol. 5, No. 2, pp. 118–143. [In Persian]
- *HuffPost Iraq*. (2025, January 7). "David's Corridor Connects Israel to the Kurds of Iraq and Syria." [In Arabic]
- Jafarifar, Ehsan; Bagheri Dowlatabadi, Ali. (2023). "The Concept of Strategic Depth and the Relations between the Zionist Regime and the Republic of

- Azerbaijan." *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, Vol. 29, No. 123, pp. 3–30. [In Persian]
- Jahangiri, Saeed; Athari, Seyed Asadollah. (2018). "Examining the Impact of Iran's Geopolitical Position on Its Foreign Policy (Before and After the Islamic Revolution)." *Political Strategy Quarterly*, Vol. 2, No. 6, pp. 55–77. [In Persian]
 - Khatib, D. K. (Ed.). (2020). *The Syrian crisis: Effects on the regional and international relations*. Springer Nature.
 - Mobini, M., & Baharvand, B. (2024). The impact of IMEC on transit geopolitics of Iran.
 - Mofakhami Shahrastani, Hassan; Niroumand, Heydar Ali. (2019). "The Role of Geopolitical Factors in the National Power of the Islamic Republic of Iran." *Strategic Defense Studies Quarterly*, Vol. 17, No. 12, pp. 259–280. [In Persian]
 - Noorali, H., & Ahmadi, S. A. (2023). Iran's new geopolitics: Heartland of the world's corridors. *GeoJournal*, 88(2), 1889–1904.
 - Press TV. (2025, January 5). *Water theft persists as Israel grabs 40 percent of Syria's vital water resources*.
 - Ranj, A. (2024). *Iraq's Development Road Project*.
 - Rekabian, Rashid; Padervand, Mehdi; Ezzati, Mohsen. (2024). "Al-Aqsa Storm and Its Impact on Israel's Security and Political Crisis." *Islamic World Crisis Studies Quarterly*, Vol. 11, No. 1, pp. 117–139. [In Persian]
 - Saleem, Z., Bashir, K., Imran, & Khurshid, Z. (2024). The fall of Bashar al-Assad: Implications for Syria and the broader Middle East. *Dialogue Social Science Review (DSSR)*, 2(5), 752–764.
 - Samson, A. (September 16, 2023). *Financial Times*.
 - Saraswat, D. (2024). Hamas–Israel war and the evolution of Iran's 'resistance geopolitics'. *Strategic Analysis*, 48(1), 60–65.
 - Soyulu, R. (April 22, 2024). *Middle East Eye*.
 - Sweidan, M. (January 14, 2024). *The Cradle*.
 - The White House. (2022). *Joint Statement of the Leaders of India, Israel, United Arab Emirates, and the United States (I2U2)*.
 - World Population. (2024). *Country-rankings/water-stress-by-country*.
 - worldometers. (2025). *World-population/israel-population*.
 - worldpopulationreview. (2024). *Country-rankings/safest-countries-in-the-world*.
 - Xiaoxiang, Z., & Chengfeng, H. (2021). Systems evaluation for operational risks of international transport corridors: A case study of China-Pakistan-Iran-Turkey international transport corridor. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2021(1), 3438872.
 - Youvan, D. C. (2024). *The collapse of Syria: Implications for Iran's fatwa against nuclear weapons and regional strategy*.